آیا با کامپیوتر می توان آثار شکسپیر را باز شناخت؟

ویلفرد اسمیت

مترجم : هنرور، رضا

گری تیلر 1 یکی از ویراستاران جدیدترین مجموعه آثار شکسپیر، نشر دانشگاه آکسفورد، اخیرا شعری را به صورت دست نوشته در کتابخانه بادلین 2 از نو کشف می‏کند و بعد از اینکه واژه‏های این شعر جدید را به وسیله یک لغتنامه کامپیوتری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‏دهد به این باور می‏رسد که شعر مزبور متعلق به شکسپیر است.در مقاله‏ای که از نظرتان می‏گذرد ویلفرید اسمیت 3 یکی از اساتید بلند مرتبه علم کامپیوتر دانشگاه آلستر 4 در جوردنس‏تان 5 ، تکنیک کامپیوتری‏ای را که برای تعیین مؤلف متون ادبی، به وجود آمده است بررسی کرده و در پایان نتیجه می‏گیرد که هنوز دشوار است بتوان این شعر را با اطمینان خاطر، به سراینده معینی نسبت داد.

هر از چندگاهی حوادثی در دنیای دانشوران رخ می‏دهد که عنوان روزنامه‏ها را قبضه می‏کند.مثلا چند سال قبل اعلام شد که نمایشنامه سرتامس مور 6 که نمایشنامه‏ای معمولی است و تا کنون اغلب مردم تصور می‏کردند شکسپیر در در نوشتن آن دستی داشته است، تماما متعلق به بارد 7 است، و اکنون شعری که نام شکسپیر 8 را بر پیشانی خود دارد، در گلچینی از اشعار در نسخه‏ای بسیار قدیمی، از نو کشف و ادعا شده است که در اصالت آن تردیدی نیست.مضمون مشترک این دو گزارش آن است که در هر دو مورد از توانایی کامپیوتر برای بررسی متون مورد اختلاف، استفاده شده است. در حقیقت امروزه گاهی چنین تصور می‏شود که کافی است در کار پژوهش از کامپیوتر بهره برد تا قدر و مرتبه کار مورد تحقیق به میزان زیادی، ارتقا یابد.

کامپیوتر که در ابتدا برای یافتن یا برشمردن مشخصه‏های واضح به کار می‏رفت، اخیرا کاربردهای پیچیده‏تری یافته است، مثل پیدا کردن عبارات مترادفی که می‏توان شکل و ترتیب کلمات آن را تغییر داد و عبارات معادلی را جانشین عبارت اولیه کرد.در هر حال استفاده از کامپیوتر بر سرعت و دقت کار محققان و بر عمق و میدان تحقیقات آنان افزوده است.ولی با وجود اینکه در کار پژوهش درست، از کامپیوتر بهره زیادی می‏توان برد، نمی‏توان نظریات نادرست را به وسیله آن تصحیح کرد، اگر چه شاید بتوان آنها را راحت‏تر شناخت.زیرا چه بسیار تلاشهایی که تا کنون برای تشخیص مؤلف اصلی اثری صورت گرفته و در عین حال پژوهشگر در کار خود متکی به ذهنیات بوده است.با این حساب، آیا این مؤلف شناسی می‏تواند ارتباط نام شکسپیر را با شعر جدید تأیید کند یا اینکه آن را تکذیب می‏کند؟

در سال 1851 پرفسور اوگاستن دومورگن 9 در اظهار نظری، اعلام کرد که میانگین طول کلمات نامه‏های سنت‏پل 10 به یونانیان نشان می‏دهد که نویسنده این نامه‏ها، با نویسنده نامه‏هایی که به یهودیان نوشته شده یکی نیست پس از اوت.س.مندنهول 11 با تشخیص اینکه اگر تنها به متوسط طول واژه‏ها اکتفا شود مسائل زیادی از نظر پنهان می‏ماند، به ترسیم نمودارهایی پرداخت که شامل میزان کاربرد کلمات یک حرفی تا شانزده حرفی، با عنایت به طول آنها بود.او این نمودارها را«منحنی مشخصه»ساختمان واژه نامید و اظهار داشت که نمودارهای مورد نظر می‏تواند معیاری برای شناخت مؤلف باشد.در سالهای دهه 1890 مأموریتی به او محول شد دایر بر حل این اختلاف نظر که«آیا شکسپیر حقیقی همان بیکن 12)است یا خیر؟»از قرار معلوم نتایجی که به دست آورد نظریه فوق را مردود می‏دانست، ولی شگفت آنکه در همین حال سروکله نامزد دیگری‏[به عنوان شکسپیر حقیقی‏]با سیمای کریستو فرمارلو 13 ظاهر شد. مندنهول بر این عقیده بود که برای ترسیم یک منحنی نمونه وار که نشانگر مشخصه یک نویسنده باشد، حدود 000/100 کلمه لازم است.اما چه شیوه مزبور تأیید شود و چه مردود اعلام شود، طنز قضیه در اینجاست که حال که کامپیوتر استفاده از این شیوه را بآسانی ممکن ساخته است، اغلب محققان نسبت به کارآیی آن بدبین شده‏اند.به هر حال اگر هم این شیوه نتیجه بدهد، بهره‏برداری از آن برای محک‏زدن «شعر جدید»منتفی است، زیرا نه بند آن فقط 430 واژه دارد.

شیوه دیگری که در نیمه اول قرن حاضر مورد بحث قرار گرفت عبارت از چگونگی«طول جملات»اثر بود.در این شیوه نیز وقتی که چارچوب مسئله مشخص شد، اطلاعات لازم از متونی که برای کامپیوتر قابل خواندن است، جمع‏آوری می‏شود.اما آثار مضبوط به زبان انگلیسی در تبعیت از این تئوری آنقدر از خود لجاجت نشان داده‏اند که تقریبا می‏توان گفت پیدا کردن مؤلف آثار«فاقد مؤلف»در زبان انگلیسی از این راه، ممکن نیست.تازه هنگام بررسی متون مربوط به عصر الیزابت مشکل دیگری نیز قد علم می‏کند و این مشکل عبارت از عدم اطمینان نسبت به اعتبار نقطه گذاریهای نسخ قدیم است.گفته می‏شود که شعر جدید کم نقطه گذاری شده است، ولی به هر حال ساخت شعری آن بی‏شک بر شیوه جمله بندی آن تأثیر گذاشته است.

پیشرفت مهم دیگری که در امر تعیین مؤلف از طریق شیوه شمارشی و کمی و از طریق کسانی چون ف.موستلر 14 و د.ل. والیس 15 حاصل شده است، به سال 1964 باز می‏گردد. موضوع کار این دو محقق در درجه اول عبارت از انتساب بعضی از رسایل فدرالیست 16 (که هر یک حدود 1500 تا3000 واژه داشتند)به هامیلتن 17 یا مدیسن 18 ، و بررسی برخی از ویژگیهای موضوع کار آنها با اتخاذ این روش بود. بر خلاف برخی از شیوه‏های پژوهش ادبی که بررسی خود را بر روی واژه‏های غیر معمول و واژه‏سازیهای جدید متمرکز می‏کردند، موستلر و والیس مطالعات خود را بر پایه متداولترین کلمات انگلیسی از قبیل حروف تعریف، ربط و غیره قرار دادند.در اینجا کامپیوتر برای شمارش تعداد حروف به کار رفته و گزینش شاخصهایی که ظاهرا هامیلتن را از مدیسن جدا می‏کرد، مورد استفاده قرار گرفت.ولی از آنجا که از هر دو مؤلف مذکور، منابع مناسب و معتبر آن هم به میزان قابل ملاحظه‏ای در دسترس بود، مسئله فوق در قیاس با آنچه که در ادبیات«عصر الیزابت»و«ادبیات عصر جیمز» 19 مطرح است، موضوعی ساده و سر راست به شمار می‏آید.در هر حال احتمال نمی‏رود که شیوه بررسی کلاسیک بتواند به عنوان یک الگو ما را در حل مسئله شناسایی سراینده «شعر جدید»یاری دهد.

گذشته از کوتاه بودن شعر مزبور و تأثیری که ساختمان آن در جمله‏بندی‏اش داشته، مشکل دیگر تحقیق این است که احتمال می‏دهند شعر مورد بحث متعلق به یکی از سرایندگان شناخته شده و یا حتی شاعری ناشناخته باشد و نیز اینکه ممکن است مصالح تطبیقی لازم همیشه در دسترس نباشد.

در سال 1969 وارن.ج.ب اوستین 20 گزارشی نوشت درباره تلاشهایی که برای معلوم کردن صحت و سقم شایعه آن دوران کرده است.این شایعه می‏گفت که اثر بی‏فایدگی عقل 21 نوشته هنری چتل 22 -که در سال 1592 منتشر شد- در واقع متعلق به رابرت گرین 23 است و پس از مرگ او تنظیم شده است.این گزارش حدود 11000 کلمه‏ای، شامل سندی می‏شد موسوم به نامه به نمایشنامه نویسان که حاوی نقدی بود که آن را از نوشته‏های شکسپیر می‏دانند.اگر این نظر درست باشد، سند مزبور قدیمیترین مطلبی است که اشاره به فعالیت‏های تئاتری شکسپیر دارد.تفاوت دو نویسنده فوق الذکر در انتخاب واژه و سایر مشخصه‏های زبانی با بررسی 000/150 واژه از واژگان هر دو نویسنده تعیین شد و این کار توسط کامپیوتری انجام گرفت که برنامه‏اش فهرست بندی افعال، واژه‏های مهم و نحوه تکرار(بسامد)و کاربرد واژه‏ها بود، در حالی که موستلر و والیس بررسی خود را تنها بر روی کلمات بسیط، متمرکز کرده بودند.اوستین مشخصه‏های دیگری از قبیل کاربرد پیشوندها و پسوندها، کلمات مرکب ساخته شده از وجوه وصفی، و نوع عبارات را نیز مورد بررسی قرار داد و پس از اینکه با استفاده از این همه ابراز تمایز دهنده-که شرحش آمد-چتل را که گفته شد بعد از تشخیص به عنوان نویسنده دورغین اثر بی‏فایدگی عقل مجرم شناخت، به سراغ نوشته نامه به نمایشنامه‏نویسان رفت، تا آن را نیز مستقلا محک بزند.اگر چه متن بی‏فایدگی عقل 1137 واژه بیشتر نداشت، از قرار معلوم گویا شیوه‏های کار چتل را با وضوح بیشتری می‏نمایاند تا گرین را.

با این تفاصیل، حال مسئله این است که آیا کل«شعر جدید»(منسوب به شکسپیر)یا لااقل نصف بیشتر آن، با این شیوه از تحقیق قابل بررسی است یا نه.«سرودن شعر»از «نوشتن نثر»سخت‏تر است، و قافیه‏سازی غیر معمول و سنگین«شعر جدید»از این حیث شاخص است.حتی در صورتی که متون بیشتری در دسترس باشد، باز هم محقق، باید مطمئن شود که مبادا ویژگیهای مشابه شعر جدید با اشعار دیگر آن شاعر، صرفا نتیجه به کار بستن دقیق و اتفاقی قواعد شعر[شاعر مورد بحث، از سوی کس دیگری‏]باشد. بنابراین انبوه مشکلات عجیب و غریب موجود بیشتر ناظر بر عدم کارآیی روش اوستین در تعیین سراینده«شعر جدید» است.

و اما در سال 1962 الگارد 24 برای تعیین هویت نویسنده نامه‏های جونیئس 25 میزان تکرار 458 کلمه و اصطلاح را در یک متن عظیم بیش از یک میلیون و نیم کلمه‏ای، و آن هم بدون استفاده از کامپیوتر، اساس کار خود قرار داد.روش او در سال 1975 مجددا از سوی د.ل.لیک 26 به عنوان مطالعه‏ای آماری جهت تعیین اصول کار تامس میدلتن 27 نوینسده معاصر شکسپیر، به کار گرفته شد.این شیوه، اساسش بر ویژگیهایی گذاشته شده است که در آثار مؤلف احتمالی به نسبتی کاملا متفاوت از سایر معاصران او، یافت می‏شود.زیر بنای نظری شیوه فوق این است که اگر در بررسی متن مورد اختلاف به ویژگیهایی رسیدیم که با ویژگیهای معمول و متداول آن عصر به گونه‏ای چشمگیر تفاوت داشت و بعد عین همین تفاوتها را در آثار یکی از نویسندگان یافتیم، در این صورت نویسنده یا سراینده آن اثر شناخته خواهد شد.با این همه، صرف نظر از حسنها و عیبهای شیوه فوق، «شعر جدید»فاقد مواد و مصالح لازم برای محک خوردن از طریق این شیوه است.

شعر علی رغم محدودیتهایی که به خاطر شعر بودنش در کار تحقیقات ایجاد می‏کند، از طریق سبک‏شناسی 28 نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.یکی از نمونه‏های به کارگیری این شیوه، تلاش محققان معاصر است تا از این طریق، اصرار کالوین هوفمان 29 را دایر بر اینکه مارلو در سال 1593 به قتل نرسیده بلکه به طور ناشناس زندگی کرده و نمایشنامه‏های‏[منسوب به‏]شکسپیر را نوشته است، به گونه‏ای عینی، مورد ارزیابی قرار دهند.هوفمان معتقد است که شعر قهرمان و شیفته قهرمان 30 ، توسط خود مارلو تکمیل شده و نه آن طور که در عنوان کتاب ذکر شده توسط چاپمن 31 محکهای متعددی که با پیگیری تکرار واژه‏های خاص، به شعر مزبور زده شده، و نظریه قدیمی را که بر تمایز و تفاوت دو بخش شعر از هم تأکید می‏کرد کاملا مورد تأیید قرار داد.البته در این مورد وجود 18000 واژه، امر تحقیق را تسهیل می‏کرد.گذشته از این، سبک معمول مارلو و چاپمن طوری است که اگر می‏خواستند اشعاری با ساختار پیچیده‏تر از مثنویهای حماسی 32 بسرایند، کمتر توفیق می‏یافتند.

همین نویسنده وقتی شعر شکوه عاشق 33 را با سایر اشعار شکسپیر و چاپمن مقایسه کرد با مشکلات بیشتری مواجه شد.این شعر ابتدا به عنوان اثری از شکسپیر به طبع رسیده بود، ولی بعدا گروهی از محققان این انتساب را مورد سؤال قرار دادند.از آنجایی که مجموع واژه‏های این شعر حدودا 2500 کلمه است، مشخصه‏های چندانی که ضمنا به قدر کافی تکرار شده باشد وجود ندارد تا بر مبنای آن بتوان آن را محک زد.با وجود این، نتیجه بررسیها ظاهرا حاکی از این بود که شعر مذکور به آثار چاپمن شباهت بیشتری دارد تا به آثار شکسپیر.ولی از آنجایی که شاعر مقید به رعایت مقتضیات سبک«قافیه رویال» 34 بود، نتیجه‏گیری فوق را نباید قطعی پنداشت، اگر چه می‏توان آن را به عنوان یکی از دلایل به حساب آورد و به هنگام پژوهش و ارزیابی در کنار شواهد دیگر گذاشت.ولی از آنجا که«شعر جدید»از لحاظ طول، یک ششم شعر فوق الذکر است، شاید بتوان خوش بینانه امیدوار بود که این شیوه آماری بالأخره بتواند مسئله تعیین سراینده شعر جدید را حل کند.

بر طبق آنچه گزارش شده 430 واژه و در حدود صد عبارت شعر جدید با کلمات و عبارات موجود در سایر آثار شکسپیر شباهتهایی دارد.البته شواهد مذکور قطعی نیست.و بالأخره پرسش مهم این است که آیا شعر جدید بر طبق یک سلسله محاسبات دقیق، بیشتر به سایر آثار شکسپیر شباهت دارد یا به آثار شعرای دیگر؟بنابراین تا زمانی که شرح کاملی از چنین پژوهش‏های مستندی منتشر نشده یا شواهد قابل اعتماد دیگری کشف نشده است، نمی‏توان قضاوت دقیقی کرد.

یادداشتها:

1.Gary Tailor

2.Bodleian Library

3.Wilfrid Smith

4.Ulster

5.Jordans town

6.Sir Thomas More

7.Bard

8.William Shakespear:

شاعر و دراماتیست انگلیسی(1564-1616)

9.Augustus De Morgan:

ریاضی‏دان و فیلسوف انگلیسی(1806-1871)

10.Saint Paul

11.T.C.Mendenhall

12.Francis Bacon:

فیلسوف و نویسنده انگلیسی(1561-1626)

13.Christopher Marlowe:

دراماتیست انگلیسی(1564-1593)

14.F.Mosteller

15.D.L.Wallace

16.Federalist Papers

17.Alexander Hamilton:

سیاستمدار امریکایی(1755-1804)

18.James MAdison:

چهارمین رئیس جمهور امریکا(1751-1836)

19.Jacobean Literature

20.Warren J.B.Austin

21.Groatsworth of wit

22.Henry Chettle:

دراماتیست انگلیسی(؟ 1560-1607)

23.Robert Greene:

شاعر، نمایشنامه و رمان نویس انگلیسی(1558-1592)

24.Ellegard

25.Junlus Letters

26.D.L.Lake

27.Thomas Middleton:

دراماتیست انگلیسی(؟ 1570-1627)

28.Styiometric

29.Calvin Hoffman

30.Hero and Leander

31.George Chapman:

شاعر و دراماتیست انگلیسی(؟ 1559-1634)

32.Heroic Couplets

33.A Lover Complaint

34.Phyme-royal:

نوعی بند«شعر هفت سطری»با وزن پنج وتدی آیمبیک، با قافیه مخصوص به خود